

یادداشت

نقش مالیات در توسعه و ارتقای شرکت‌های دانش‌بنیان

زهرا صمدی‌کميجانی، کارشناس ارشد مالی

● شرکت‌های دانش‌بنیان موتور محرکه اقتصادهای دانش‌محور و فناوری‌های نوین هستند. در ایران نیز قانون‌گذار برای حمایت از شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش‌بنیان و همچنین واحدهای فناوری و پژوهشی و مهندسی مستقر در پارک‌های علم و فناوری، ۱۵ سال اعمال نرخ صفر مالیاتی در نظر گرفته است.

پیش‌شرط برخورداری از تسهیلات مالیاتی (استفاده از نرخ صفر)، منوط به رعایت شرایطی ازجمله داشتن مجوز قانونی از معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری و اعلام آن به‌عنوان مصادیق شرکت‌های دانش‌بنیان و فناوری، داشتن مجوز برای واحدهای مستقر در پارک علم و فناوری از طرف ریاست پارک، ارائه اظهارنامه، ترانزنامه حساب سود و زیان و دفاتر و اسناد و سدادار در مهلت مقرر قانونی به اداره امور مالیاتی مربوطه است.

در صورت برخورداری فعالیت اقتصادی از مشقوق‌های مالیاتی، درآمد مشمول مالیات فعال اقتصادی با نرخ صفر محاسبه می‌شود. معافیت مالیاتی شرکت‌های دانش‌بنیان ازجمله راهکارهای ارتقای فعالیتهای دانش‌محور است که در راستای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان در نظر گرفته شده است. پایدارترین رشد اقتصادی دنیا مربوط به اقتصادهای دانایی‌محور است و فاکتور مهم این اقتصادها، شرکت‌های کوچک دانش‌بنیان هستند. وجود مشکلات پیش‌رو سبب شکست آنها در سال‌های ابتدایی تأسیس می‌شود. دولت‌ها می‌کوشند به همراه نظارت، راهبری و حمایت از بخش خصوصی و کسب‌وکارهای نوپای آن، زمینه‌های مناسب را برای ارتقای واحدهای فعال اقتصادی خصوصی فراهم کنند.



وظایف شرکت‌های دانش‌بنیان در محدوده رشد و توسعه فناوری قرار دارد؛ زیرا اکثر فعالیت‌های تحقیق و توسعه در راستای مراحل رشد فناوری انجام می‌شود. توسعه فناوری با انگیزه‌های اقتصادی انجام می‌شود. حمایت‌های مالی، پرورش نیروی انسانی، گسترش خدمات و اطلاعات فنی- مدیریتی و... از مهم‌ترین حمایت‌های دولت از این شرکت‌ها محسوب می‌شود. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد مهم‌ترین عامل ارتقای شرکت‌ها، حمایت‌های مالی از سوی دولت است. دولت می‌تواند با ارائه مشقوق‌های مالی و تأمین بخشی از هزینه‌های تحقیق و توسعه، در راستای حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان نقش بسزایی ایفا کند. درحال‌حاضر در اکثر کشورهای دنیا نظام مالیاتی به‌طرقی طراحی شده که در آن درآمد و هزینه مشخص و به صورت آلمانی به سیستم مالیاتی کشور ارتباط داده می‌شود (امری که گفته می‌شود در فرایند اجرای طرح جامع مالیاتی نیز به وقوع خواهد پیوست).در اجرای مواد ۱۰ و ۲۱ آیین‌نامه اجرائی، درآمد مشمول مالیات شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش‌بنیان ناشی از قراردادهای فعالیت‌های تحقیق و توسعه، تجاری‌سازی و تولید محصولات و خدمات دانش‌بنیان در حوزه فناوری‌های برتر- و با ارزش افزوده فراوان به‌ویژه در تولید نرم‌افزارهای مربوطه از سوی همان شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش‌بنیان به مدت ۱۵ سال پس از تاریخ صدور مجوز برای هر شرکت با مؤسسه دانش‌بنیان، از مالیات موضوع ماده ۱۰۵ قانون مالیات‌های مستقیم و همچنین پرداخت عوارض، حقوق گمرکی، سود بازرگانی و عوارض صادراتی معاف هستند. همچنین در اجرای ماده ۲۸ آیین‌نامه اجرائی قانون حمایت از شرکت‌ها و مؤسسه‌های دانش‌بنیان و تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات و تبصره الحاقی آن، واحدهای فناوری (پژوهشی و فناوری و مهندسی؛ مستقر در پارک‌های علم و فناوری که با مجوز وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایجاد می‌شوند و در جهت انجام مأموریت‌های محوله به فعالیت اشتغال دارند، نسبت به درآمد‌های حاصل از فعالیت‌های یادشده در مجوز که صرفا در پارک‌های علم و فناوری تحقق می‌یابد، از تاریخ صدور مجوز از سوی مدیریت (رئیس) پارک از معافیت مالیاتی موضوع ماده ۱۳ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی مصوب ۱۳۷۲ و اصلاحیه‌های بعدی آن با رعایت سایر مقررات آیین‌نامه اجرائی ماده ۴۷ قانون برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه برخوردار خواهند بود. نکته حائز اهمیت آنکه ۱۳۹۴ (لازم‌الاجرا از ابتدای سال ۱۳۹۵)، اعمال هرگونه تسهیلات مالیاتی (شمول نرخ صفر) برای همه فعالان اقتصادی ازجمله شرکت‌های دانش‌بنیان، تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر قانونی است.

ادامه از صفحه ۵

مهم‌ترین ایرادات این لایحه درنظرنداشتن مقررات حاکمیت شرکتی، موضوع سرمایه‌گذاری خارجی و عدم توجه به پیش‌نویس قانون بازار بورس و اوراق بهادار بود که دوران تصویب را طی می‌کرد. نکته مهم لایحه بحث ادغام و ترکیب و همچنین فصل بازاری و ورشکستگی بود اما در این لایحه هیچ‌گونه اشاره‌ای به جامعه حسابداران رسمی و فرایند انتخاب حسابرس و بازرس از بین حسابداران رسمی نشده بود! مضافا از فعالان اقتصادی کشور نیز کسی در کارگروه حضور نداشت. دکتر مصدربنا پاسبان از حقوق‌دانان ذی‌مدخل در پیش‌نویس اصلاحیه سال ۱۳۸۴ در مصاحبه‌ای با روزنامه اعتماد شماره ۲۳۳۴ مورخ ۱۳ تیرماه ۱۳۹۱ اظهار کرده‌اند «در سال ۱۳۸۱ ایده اصلاح قانون تجارت به صورت محدود در دولت مطرح شد. بحر همین اساس مطابق مصوبه شماره ۱۹/۲۵۵۲۴ت-مورخ ۱۳۸۱/۱۲/۳۱، مقرر شد قانون تجارت با واردساتن نهادهای اموری از جمله ادغام و تجزیه شرکت‌های تجارت و زیر نظر وزارت اقتصاد اصلاح شود. لکن بعدا و با تذکر کارشناسان، هیئت وزیران قانع شد که حوزه بازرینی را به کل قانون تجارت تعمیم دهد. در نتیجه این تغییر رویکرد، مصوبه شماره ۱۷۸۷۵/ت-۲۶۶۱ هـ مورخ ۱۳۸۱/۴/۱۹ هیئت وزیران ضمن اصلاح مصوبه پیشین، مأموریت بازرگنی و تدوین پیش‌نویس لایحه اصلاح قانون تجارت به وزارت بازرگانی، با همکاری وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی، دادگستری، صنایع و معادن و کار و امور اجتماعی واگذار شد. برای تحقق این منظور انجمنی با نام شورای راهبردی در معاونت برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت بازرگانی تشکیل شد و با دعوت از برخی اساتید و کارشناسان بانجربه هدایت اسر را برعهده گرفت. شورای مزبور پیشنهاد کرد کار نگارش قانون جدید در قالب مجموعه‌ای از فعالیت‌های پژوهشی- مشاوره‌ای صورت گیرد. بر همین اساس مقرر شد چهار طرح پژوهشی به شرح زیر تعریف شود: کلیات (شامل تجار و تکالیف آنها، قراردادهای تجارتی، گروه اقتصادی با منافع مشترک و ضمانت) اسناد تجارتی (بعدا یک طرح پژوهشی درباره اسناد تجاری الکترونیکی نیز تعریف شد) حقوق شرکت‌ها و بازاری و ورشکستگی».

اگر همین مصاحبه را که درست هم گفته‌اند معیار قرار دهیم، مشخص می‌شود سازمان مدیریت صنعتی و تیم اولیه اشاره‌شده قبل از این موضوع، اولین کام جدی بعد از انقلاب را برای اصلاحات در قانون تجارت برداشته‌اند.

اگر ممکن است برخی ایرادات اساسی قانون تجارت فعلی «اصلاحی مصوب اسفندماه ۱۳۴۷» را بیان کنید.

قانون تجارت ایران (مصوب ۱۳۱۱) که عمدتا از قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه اقتباس شده، با وجود گذشت مدتی طولانی از تاریخ تصویب اولیه آن با تحولات چشمگیر در مبادلات بازرگانی و تجارت الکترونیک و شبکه‌های تجاری مجازی و تغییر روابط اقتصادی و تجارتی هماهنگی ندارد. مهم‌ترین ایرادات فعلی قانون تجارت مصوب ۱۳۱۰ و اصلاحیه سال ۱۳۴۷ عبارت‌اند از:
۱- این قانون که عملا قانون مادر تجارت ایران به‌شمار می‌رود در مهم‌ترین تعریف بازرگانی که همانا تعریف «شرکت» است مسکوت مانده و به بیانی دیگر قانون تجارت فعلی شرکت را تعریف نکرده اما انواع شرکت‌ها را بیان کرده و الزاما ما از تعریف ساده قانون مدنی در این ارتباط استفاده می‌کنیم، مضافا این‌ها فاقد توانمندی استفاده در زمینه فناوری‌های مدرن و بسیاری از موضوعات تجاری نظیر تابعیت، اقامتگاه قانونی، سرمایه‌گذاری خارجی، تجارت الکترونیکی، تجارت دریایی، سرقتفی و برند، بورس، بانکداری، بیمه، ادغام، تجزیه و ترکیب، کنسرسیوم، هلدینگ، قراردادهای نوین تجاری نظیر بایک و بی‌اوتی و مالیات‌های معنوی و صنعتی نارسا و ساکت است. مضافا طبقه‌بندی اعمال تجاری با طبقه‌بندی سازمان تجارت جهانی همخوانی نداشته و بعضا متعارض و اجزاهای مندرج در قانون با توجه به گذشت بیش از ۷۰ سال از تاریخ اجرای آن متضحت است.

۲- این قانون در زمینه معاملات خرید یا تحصیل مال به قصد فروش، هیچ یک از قواعد ناظر بر خرید و فروش تجاری مندرج در قانون مدنی را بیان نکرده و از میان قراردادهای متعدد تجاری تنها حدود ۷۰ ماده را به حق‌العمل‌کاری، دلالی، حمل‌ونقل و ضمانت اختصاص داده و هرکجا کم آورده به دفعات برای جبران نواقص به قانون مدنی ارجاع کرده است. یعنی عملا در مواردی بین قانون تجارت و قانون مدنی تعارض وجود دارد که تعارضات بین ماده ۵۱۳ قانون مدنی و مواد ۳۷۸ و ۳۸۶ قانون تجارت از آن جمله به‌شمار می‌روند یا در مورد اهلیت تاجر و شرایط عمومی اشتغال به تجارت که قانون تجارت مسکوت مانده، ناچاریم به قانون مدنی استناد کنیم.

۳- تعریف تاجر و معاملات تجاری و اسم تجاری در قانون فعلی تعریف کاملی منطبق با شرایط فعلی نبوده و الزام تاجر به داشتن دفاتری که عملا سیستم‌های رایانه‌ای جایگزین آنها شده، غیرواقعی و غیرمنطقی است.

۴- قانون تجارت فعلی درباره حقوق شرکت‌ها و مقررات ناظر بر شرکت‌ها با توجه به مباحث نوین بنگاهداری نظیر مقررات حاکمیت شرکتی، تئوری ذی‌نفعان دارای اشکالات جدی بوده و بین برخی مواد آن نظیر «ماده ۹۵ و ۱۰۱- تراحم وجود داشته و با توجه به حذف عملی اوراق قرضه و جایگزین‌شدن آن با اوراق مشارکت بازرگنی مواد (۵۷-۷۱) ضروری است.

۵- تعاریف و احکام ضمانتی اسناد تجاری و

اقتصاد

مجلس چشم‌اسفندیار را ندید



مجلس

سیدابوالفضل میرقاسمی

کی‌کی‌سی

داده شد تا به‌صورت ماده‌به‌ماده در صحن بررسی شود. نقش کارگروه مسئول در سازمان مدیریت صنعتی در اصلاحیه‌های بعدی چه بود؟
این‌جانب از همان آغاز معتقد بودم برخی مواد قانون تجارت باوجود سابقه سنواتی آن هنوز هم بسیار کارآمد و مفید هستند؛ نظیر موادی راجع به ذی‌نفعان، اما لازم است که با توجه به تحولات نوین اقتصادی موادی در قانون کنجاده شود که در زمان تصویب آن با توجه به شرایط کشور کمترین حساسیت را ایجاد کند؛ زیرا به‌رحال عده‌ای در صدد بر خواهند آمد که نقطه‌نظر آثار خود را در اصلاحات ذخیل کنند و این ممکن است باعث ازین‌رفتن موادی از قانون تجارت شود که هم‌اکنون نیز کاربرد دارد، بنابراین با اصلاح کل قانون آن‌هم در مجلس شورای اسفند ماه ظرفیت آن برای مزبور بودم و در تیم بعدی مشارکت نداشتم، حتی شنیدم مدتی بعد باوجود دعوتی که از دکتر ربیعا اسکینی شده بود، ایشان هم با آنها قطع رابطه کرد.

اینجا باید تأکید کنم که حسابداران ایران در قالب انجمن حسابداران خیره ایران و جامعه حسابداران رسمی ایران با همه بی‌مهری‌هایی که به نهادهای حرفه حسابداری و حسابرسی شده و می‌شود و باوجودآنکه خود را حقوق‌دان و وکیل نمی‌دانند، بیشترین گام‌ها را نسبت به سایر نهادهای حرفه‌ای بدون هیچ چشم‌اندشی برای اصلاحات قوانین مادر مالی در کشور ازجمله «قانون تجارت، قانون مالیات‌های مستقیم، قانون مالیات بر ارزش افزوده، مقررات حاکمیت شرکتی و قانون بازار اوراق بهادار برداشته‌اند.

ا در طرح اصلاحی اما ایرادات به‌مراتب بیشتر شده است و کارشناسان انتقادات زیادی به آن وارد می‌کنند. این ایرادات به نظر شما چیست؟
قانون تجارت به‌مثابه قانون اساسی تجارت و مبادلات بازرگانی بوده بنابراین قانون‌گذار باید اهتمام ویژه‌ای در فرایند تصویب لحاظ کند تا کشوری که اقتصاد آن درحال‌حاضر زمین‌گیر شده با مقرراتی که قرار است تصویب و اجرا شود، به سراسیمی پرتاب نشود. مهم‌ترین ایرادات و نکاتی که درحال‌حاضر دغدغه فعالان و نهادهای کارفرمایی است، عمدتا عبارت‌اند از:

۱- قانون تجارت فعلی بر مبنای نظام حقوق مدنی یا «Civil Law» تهیه شده درحالی‌که اصلاحیه مورد بحث بر اساس نظام حقوق عرفی تدوین شده که اجرای آن در فضای که بیش از ۷۰ سال با نظام حقوقی مدنی سروکار داشته تعارضات متعددی را ایجاد خواهد کرد. نکته مهم دراین‌باره فقدان مدل حقوقی اصلاحات ساختاری «Model Law» است؛ زیرا تفکر راکم بر تدوین‌کنندگان لایحه اصلاحی ۱۳۸۳ و طرح اصلاحی ۱۳۹۷ همان مدل سنتی قانون‌گذاری است که عملا مسائل نوین بازرگانی و تجارت را با عبارت «سایر خدمات و کالا» پاسخ می‌دهد!

۲- در جهان پیشرفته، وجود و ضرورت دادگاه‌های ویژه تجارت الزامی است که این دادگاه‌ها بتوانند در اسرع وقت به اختلافات حوزه کسب‌وکار پایان دهند. زیرا دعاوی مالی در شرکت‌ها مدت‌بردار نیست و چنانچه نتوانیم مرجعی پیش‌بینی کنیم که به‌سرعت نسبت به دعاوی پنگاهای اقتصادی و سهامداران رسیدگی کنند، کار از کار می‌گذرد. سهامداری که قبل از تشکیل مجمع ادعای خسارت و ضرر و زیان دارد، اگر نتواند جلوی تشکیل مجمع و مصوبات آن را از طریق یک مرجع قضائی که به‌سرعت نسبت به ادعای امور رسیدگی کند بگیرد، سهامداران دیگر مجبور تا تشکیل می‌دهند و تصمیماتی را اتخاذ خواهند کرد که برگشت‌ناپذیر است. ازاین‌رو باید در همین اصلاحیه دادگاه‌های قانون تجارت پیش‌بینی و انتخاب قضات آن نیز بر اساس دستورالعمل خاصی باشد که قضاوت اینن دادگاه حتما با مبانی حقوقی و قانون تجارت آشنا و مسلط باشند.

ما حتی در حوزه وکلای میرز در زمینه قانون تجارت کمبود داریم کم‌اینکه بسیاری از وکلای کشور نیز در زمینه قانون تجارت مسلط و کارشناس نیستند. اتفاقا یکی از اشکالات اساسی جامعه ما فقدان وکلای مجربی است که به قانون تجارت به‌ویژه بخش شرکت‌ها احاطه

و تسلط کامل داشته باشند. به علت آنکه تعداد قلیلی از وکلا در این زمینه تبحر دارند می‌توان اسامی وکلای برجسته این حوزه را به‌صورت کامل بازگو کرد؛ چون تعداد آنها انگشت‌شمار هستند.

۳- با توجه به تحولات اقتصاد جهانی، مسائلی نظیر ادغام و ترکیب، کنسرسیوم، موضوع تلفیق صورت‌های مالی و هلدینگ‌ها، باوجود نوشتار متنی در این قانون به‌درستی تبیین نشده‌اند و موضوعاتی که در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای اصل (۴۴) ازجمله آیین‌نامه اجرائی نحوه تشکیل و نظارت شرکت‌های سهامی عام موضوع تصویب‌نامه به تاریخ ۱۷ مردادماه ۱۳۸۸ مطرح شده نیز در این قانون مدنظر قرار نگرفته است؛ به‌ویژه آنکه از سال ۱۳۸۵ با تصویب قانون جدید بازار سرمایه عملا باید بخش‌هایی از این اصلاحیه که مغایر قانون بازار سرمایه است، حذف یا اصلاح مجدد شود.

۴- در راستای ارقان برنامه پنجم و ششم توسعه اقتصادی، قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۱، مقررات جدید حاکمیت شرکتی، اصلاحیه تیرماه قانون مالیات‌های مستقیم و همچنین لایحه در دستور کار «شفافیت»، ناچار هستیم در همین اصلاحیه نیز اصلاحات دیگری نیز به عمل آوریم.

۵- نکته حائز اهمیت اینکه طرح اصلاحی که در ۱۲۴۶ ماده در حال بررسی و تصویب است، ماهیتا اصلاح تلقی نمی‌شود بلکه اساسا یک قانون جدید است که هیچ‌گونه قرابتی با قانون تجارت اصلاحی ۱۳۴۷ ندارد.

ا گفته می‌شود باوجود بررسی طرح اصلاحی قانون تجارت، هم‌زمان لوابیح متعدد اصلاحی در قانون تجارت نیز در مجلس ارائه شده است؟ آیا این موضوع صحت دارد؟

متأسفانه موازی‌کاری و چندباره‌کاری از ویژگی‌های مکرر جامعه اقت‌زده ما است. برای مثال از مهم‌ترین موارد لازم‌در شرایط فعلی موضوعاتی‌مانند ورشکستگی که چند سالی است حوزه کسب‌وکار را تحت‌تأثیر قرار داده، قانون فعلی در شرایط امروز تجارت دندان کارآمد نیست و نیازمند بازنگری اساسی و استفاده از تجارب جهانی است؛ زیرا سیر ورشکستگی‌های با تقصیر و بدون تقصیر کشور را فراگرفته است. در همین زمینه دولت در تاریخ ۱۳۹۲/۸/۲۲ لایحه اصلاح موادی از قانون تجارت درخصوص ورشکستگی را تسلیم کرده که در مجلس در دستور بررسی است؛ درحالی‌که در اصلاحیه فعلی قانون تجارت «کار چترام» نیز به موضوع ورشکستگی و قراردادهای ارفاقی پیشگیرانه تخصیص یافته و معلوم نیست بالاخره کدام بخش قرار است تصویب شود؟!

ا ویژگی‌های مهم طرح اصلاحی جدید چیست؟

در طرح اصلاحی که در حال حاضر فرایند بحث و تصویب را در مجلس می‌گذراند، کوشش شده بسیاری موارد و اشکالات مندرج در قانون فعلی نظیر حقوق شرکت‌ها، تابعیت، اقامتگاه و حاکمیت شرکتی و استانداردهای حسابداری و تحریر دفاتر و دفاتر الکترونیک و موضوعات مربوط به عملیات بانکی و نمایندگی و قائم مقام تجاری و انحلال شرکت، ادغام و تجزیه و کنسرسیوم مرتفع شود اما خود این اصلاحیه شامل نوآوری‌های بدیعی است که کشور را دچار مشکل می‌کند مثل«شرکت تعاونی سهامی خاص و شرکت تعاونی سهامی عام» زیرا در شرکت تعاونی هر نفر فقط یک سهم دارد اما در شرکت سهامی «فارغ از خاص یا عام» ممکن است هر نفر تعداد زیادی سهم داشته باشد. به‌نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی در رابطه با سهام عدالت باشد که از چنین سود، آنکه در زمان اتخاذ تصمیم عملا سهامداران بر تعاونی‌ها چیره شده و سرنوشت سهام عدالت به بیراهه خواهد رفت.

ا نقش جامعه حسابداران رسمی در لایحه قبلی و طرح فعلی اصلاح قانون تجارت چه بوده است؟
تا آنجا که اطلاع دارم دفتر اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس در مکتوبی یک نسخه طرح جدید را در سال ۱۳۹۷ به جامعه ارسال کرده و خواستار نظرات جامعه در زمانی کوتاه و غیرممکن می‌شود. آقای محمدعلوی، دبیرکل جامعه نیز باوجود مدت زمان کوتاه، کارگروهی را به دبیری آقای ناصر مهمانی و چند نفر از حسابداران رسمی که سابقه قبلی در لایحه قبلی و این طرح را داشته تا تجربانی درباره قانون تجارت داشتند، دو نفر از وکلای شناخته‌شده را مسئول بررسی لایحه کردند. کارگروه درنهایت به این جمع‌بندی رسید: نخست اینکه ظرف زمانی که دفتر اقتصادی اعلام داشته امکان بررسی جامع لایحه وجود ندارد، دوم آنکه ابهامات متعدد نوشتاری و ماهوی در لایحه وجود دارد که اصلاح پیشنهادی و جمع‌بندی آنها نیاز به مطالعه بیشتری دارد، مضافا کارگروه معتقد بود شاید اصلاح موارد اساسی

بررسی جامع لایحه وجود ندارد، دوم آنکه ابهامات متعدد نوشتاری و ماهوی در لایحه وجود دارد که اصلاح پیشنهادی و جمع‌بندی آنها نیاز به مطالعه بیشتری دارد، مضافا کارگروه معتقد بود شاید اصلاح موارد اساسی و افزودن تعدادی ماده الحاقی در اینن مقطع بتواند مشکل فعلی کاربردی قانون تجارت را حل کند، بنابراین صرفا مواد مرتبط با بخش بازرس و حسابرس و بخش شرکت‌ها در قالب پاسخ به دفتر مذکور ارسال شد که هنوز هم مشخص نیست این پیشنهادها در نظر قرار گرفته یا خیر؟ دکتر ربیعا اسکینی که به پدر حقوق تجارت ایران مشهور است و از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی برای کار روی این لایحه و ارائه نظریات کارشناسی دعوت به همکاری شده بود، می‌گوید: شورای نگهبان اصرار دارد ماده به ماده لایحه قانون تجارت در صحن مجلس به تصویب برسد و تصویب آرایشی آن ازسوی مجلس را نمی‌پذیرد. او اظهار می‌کند: «به مدت یک سال و نیم به دعوت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی روی این لایحه کار کرده و می‌توانم به جرت بگویم همکاری که با اینجانب به‌طور هفتگی کار می‌کنند، می‌توانند شهادت بدهند ماده به ماده آن اشکال دارد.

ادامه در صفحه ۱۰

یادداشت

چالش‌های توسعه روستایی

سیدابوالفضل میرقاسمی

● به‌دلایل مختلف در چند دهه گذشته نسبت جمعیت شهری و روستایی معکوس شده و بیش از ۳۰ هزار روستا خالی از سکنه شده‌اند و در بعضی روستاها هم فقط افراد سال‌خورده و ازکارافتاده ساکن هستند. مهاجرت گسترده روستائیان به شهرها نه‌تنها سبب تعطیل‌شدن مراکز تولیدی روستایی شده است بلکه سبب تشدید مسائل حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها و بروز مشکلات عدیده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی شده است. از طرف دیگر، بخشی‌نگری و برنامه‌ریزی بالا به پایین، نظام حاکم بر برنامه‌ریزی کشور است و اکثر دستگاه‌های دولتی با بخش‌های حاکمیتی، مؤسسات خیریه یا اعضای بخش خصوصی اقداماتی در زمینه توسعه روستایی انجام می‌دهند که بیشتر در قالب پروژه‌های زیرساختی یا خدماتی است و معمولا در جریان کار هم‌دگر نیستند. در زمینه اجرای پروژه‌های توسعه روستایی، انتظار می‌رود نگرش جامع‌عی (و نه تک‌بعدی) در مسائل روستا وجود داشته باشد ولی عملا پراکنده‌کاری، دوباره‌کاری یا موازی‌کاری حاکم است. چالش‌های پیش‌روی توسعه پایدار، متوازن و درون‌زای روستاها عبارت‌اند از:

- نامشخص‌بودن نقشه راه توسعه کشور و نقش روستا در آن نقشه راه
- تعدد مراجع تصمیم‌گیری و ضعف در وحدت فرماندهی برای مدیریت روستا، اختلاف نظر بین وزارت کشور، وزارت جهاد کشاورزی، معاونت توسعه روستایی ریاست‌جمهوری، بنیاد مسکن و... جهت تصدی‌گری و هدایت برنامه‌های توسعه روستایی
- ناکارآمدی شوراهای اسلامی (اکثرا عدم شایسته‌سالاری در انتخابات شوراهای شهر و روستا)
- اکثرا ناکارآمدی دهیاران و پایین‌بودن سطح آگاهی ایشان یا عدم تأمین مالی ایشان یا بهره‌وقت‌بودن ایشان (در بعضی مناطق، چند روستا دارای یک دهیار مشترک هستند)
- کم‌توجهی به راهکارهای بهبود معیشت و اشتغال‌زایی در سطح جوامع روستایی (بیشتر توجه مسئولان به توسعه زیرساخت‌ها و موضوعات آموزشی و بهداشتی، خدماتی و بعضا رفاهی است)
- کم‌توجهی به دانش بومی روستائیان (بعضا فراموش‌شدن دانش بومی به‌دلیل رحلت خبرگان محلی)
- کم‌توجهی به بافت سنتی، اصالت‌ها، باورها و مراسم آیینی و مذهبی روستائیان (اختلاط فرهنگی)
- ضعف سرمایه اجتماعی و در نتیجه بی‌اعتمادی مردم به هم‌دیگر و به دولت، ضعف در مسئولیت‌پذیری و کار گروهی و مشارکتی (رقابت در استفاده بی‌رویه از منابع مشترک بجای رفاقت‌ها و صمیمیت‌های قبلی)
- بعداخت‌کردن مردم محلی و بالا رفتن سطح توقع مردم و انتظار بیش از حد ایشان از دولت که با پول نفت از موهبت توسعه مجانی بهره‌مند شوند
- تغییر سبک زندگی روستائیان و بالا رفتن سطح بهداشت و افزایش نسبه سطح رفاه
- کم‌توجهی به زیرسره تأمین و زنجیره ارزش در تولید و عرضه محصولات روستایی
- نفوذ و سودجویی سلف‌خران، دلالان و واسطه‌ها (زحمت اصلی و مخاطرات تولید محصول را کشاورز محتمل می‌شود ولی سود اصلی را واسطه‌های می‌برند)
- عدم ثبات قوانین و مقررات و سیاست‌های دولت در حوزه تولید و توزیع محصولات روستایی
- بوروکراسی اداری پیچیده و سخت‌گیرانه (موانع تولید و توسعه کسب‌وکارهای خرّ و متوسط)
- بعضا فساد اداری و برخی سوءاستفاده‌ها و فرصت‌طلبی‌ها
- ضعف هماهنگی در بین بهره‌برداران محلی
- کمبود منابع اعتباری برای سرمایه‌گذاری و توسعه کسب‌وکارهای محلی
- تغییر کاربری اراضی و ساخت‌وسازهای غیراصولی و غیرموزون با بافت روستا (ویلاسازی‌ها در مناطق خوش‌آب‌وهوا یا دارای جاذبه‌های توریستی)
- کم‌توجهی به نقش نهادهای مدنی در حکمروایی (Governance).
- راهکارهای پیشنهادی برای حل مسائل فوق عبارت‌اند از:
- رسیدن به اجماع نخبگانی در تدوین استراتژی توسعه کشور
- تعیین نقش روستا (انتظارات از روستا در ابعاد مختلف تولیدی، خدماتی و صنعتی) و جوامع عشایری در نقشه راه توسعه کشور
- تعیین یک سازمان مشخص به‌عنوان متولی توسعه روستایی و عشایری و ابلاغ سازوکارهای ایجاد هماهنگی بین‌بخشی در حوزه توسعه روستایی و همچنین جلب مشارکت مردم محلی
- اعتماد‌سازی، آگاهی‌بخشی، حساس‌سازی و تقویت سرمایه اجتماعی در سطح جوامع روستایی و عشایری
- برنامه‌ریزی اصولی و کاربردی جهت ارتقای سطح آگاهی عمومی (تعامل درست مردم شهر و روستا)

ادامه در صفحه ۱۰